

16 SONNTAG NACH TRINITATIS – 27. SEPTEMBER 2020

Andacht für den 27. SEPTEMBER 2020

شانزدهمین یکشنبه پس از ترینیتاتیس – ۲۷. سپتامبر ۲۰۲۰

نیایش کوتاه برای ۲۷. سپتامبر ۲۰۲۰

مردی به نام ایلعازر، از اهالی بیت عنیا یعنی همان دهکده مریم و خواهرش مرتا، در بستر بیماری قرار داشت و مریض بود. پس خواهرانش برای عیسی پیغام فرستادند که به او گفته بگویند: ای خداوند، "آن کسی که تو او را دوست داری بیمار است." وقتی عیسی به آنجا رسید، چهار روز از مرگ ایلعازر گذشته بود و او را به خاک سپرده بودند. اما بیت عنیا تا اورشلیم زیاد دور نبود و تقریباً سی دقیقه با اورشلیم فاصله داشت. و بسیاری از یهودیان به دیدار و تسلی دادن مریم و مرتا که برادرشان را از دست داده بودند در خانه آنها گرد آمده بودند. وقتی مرتا شنید، که عیسی مسیح آمده، به استقبال او رفت؛ ولی مریم در خانه ماند. سپس مرتا به عیسی مسیح گفت: ای خداوند، اگر تو اینجا می بودی، برادرم فوت نمی کرد. ولی اکنون نیز میدانم: آنچه را که تو از خداوند بخواهی، خداوند آنرا به تو خواهد داد. عیسی مسیح در جواب به او گفت: برادرت باز زنده خواهد شد. مرتا پاسخ داد: من این را خوب می دانم، برادرم زنده خواهد شد - اما در روز موعود در همان روز قیامت. عیسی مسیح به او گفت: من خود قیامت و حیات هستم. کسی که به من ایمان بیاورد حتی اگر بمیرد، حیات خواهد داشت؛ هر کسی که زنده باشد و به من ایمان بیاورد، هرگز نخواهد مرد. آیا این را باور می کنی؟ مرتا به او گفت: آری خداوند، من ایمان دارم که تو مسیح، و پسر خدا هستی، که به این جهان آمده است. مرتا پس از آنکه این را گفت رفت و خواهر خود مریم را صدا کرد و به طور پنهانی به او گفت: استاد آمده است و تو را صدا میزند. وقتی مریم این را شنید، فوراً بلند شد و با عجله به طرف عیسی رفت. همراهان وی آنگاه سنگ قبر را برداشتند. عیسی چشمان خود را به آسمان بلند کرد و گفت: ای پدر، تو را شکر می کنم که سخن مرا شنیدی. من میدانستم که تو همیشه سخن مرا می شنوی ولی به خاطر کسانی که اینجا ایستاده اند، این را گفتم تا آنها ایمان بیاورند که تو مرا فرستاده ای. پس از این سخنان، عیسی با صدای بلند فریاد زد: ای ایلعازر، بیرون بیا! آن مرده، در حالیکه دستها و پاهایش با کفن بسته شده و صورتش با دستمال پوشیده بود بیرون آمد. عیسی به آنها گفت: او را باز کنید و بگذارید برود! بسیاری از یهودیانی که برای دیدن مریم آمده بودند، وقتی آنچه را که عیسی انجام داد مشاهده کردند، به او ایمان آوردند.

(یوحنا ۱۱، ۱-۴۵*)

تقریباً هر روز، و گاه گاهی به روشی بسیار ناخوش آیند، با این واقعیت برخورد می کنیم که مردن و مرگ نیز قسمتی از زندگی ما می باشد. همانطوری که در یک سرود معروف که در قرون وسطی سروده شده گفته می شود. "در بین زندگی ما سایه مرگ نیز افکنده است،"

تجربه تلخ مرگ و مردن، را، این دو خواهر یعنی مرتا و مریم در میان زندگی نیز خود شاهد بودند. برادران دو ایلعازر بطور سختی بیمار گردیده. و او در بستر بیماری به سر می برد، تحت این شرایط سخت و اضطراری آنان دست یاری و کمک به سوی عیسی دراز می کنند. ولی عیسی بسیار دیر به آنجا میرسد: وقتی که او به آنجا می رود از فوت ایلعازر چهار روز متوالی گذشته بود و او را به خاک سپرده بودند. همه چیز مایوس و نا امید کننده بنظر می رسید.

ولی مرتا ناامید نشده و به تلاش خود ادامه می دهد، آنچه را که تو از خداوند خواستاری، خداوند آن را به تو عطا می کند، اینطور مرتا به عیسی می گوید. عیسی پاسخ می دهد:، برادرت زنده خواهد

شد"، در حالیکه او ابتدا با ناامیدی گفت.،، من میدانم، که او در روز قیامت زنده خواهد شد"، اینطور مرتا به عیسی گفت، و در افکارش با خود اینطور اندیشید،، ولی من اکنون به یک تسلی و دلگرمی احتیاج دارم!" و این تنها چیزی است که ما می توانیم خیلی خوب آنرا تصور نماییم. ما بعنوان انسانهای مسیحی به زنده شدن بعد از مرگ اعتقاد داریم، ما معتقد به زندگی همیشگی و دائمی در قلمرو فرمانروایی خداوند هستیم. ولی این پیام یعنی رستاخیز مردگان همان چیزی نیست که به فراتر از آن یعنی آخر زمان اشاره دارد، و در واقع این همان چیزی است که در اینجا و حالا برای ما هرگز قابل دست یافتن نیست؟ ولی آیا کدامین دلگرمی و اطمینان خاطری افکار ما را به سوی زندگی همیشگی سوق می دهد در حالیکه ما هنوز گرفتار این دنیای متناهی هستیم؟ و آیا این خودنشان این نیست که وعده های داده شده به ما در زمان بخصوصی جامع عمل به خود خواهند گرفت؟

عیسی به مرتا همان کلام بسیار معروف را پاسخ می گوید:،، من همان قیامت و حیات هستم. کسی که به من ایمان بیاورد، حتی اگر بمیرد، حیات خواهد داشت؛ و هر کسی که زنده باشد و به من ایمان بیاورد، هرگز نخواهد مرد." و شاید ما نیز امروز بایستی به آن قول و پیمان معروف عیسی مسیح و سوال وی در همین مورد، با او هم نظر شده که پرسید:،، آیا تو به آن ایمان داری؟،،

حتی وعده عیسی مسیح امروزه نیز برای ما کاملا صادق است: کسی که به او ایمان و اعتماد آورد، و کسی که امید خود را به همان خدایی که به صورت انسان بروی زمین آمده از دست ندهد، آن شخص می تواند بخوبی در وقت حضور او اینطور احساس نماید که خداوند مرگ را روبروی زندگانی قرار داده و همان فرد خوب می تواند در اینجا و همین حالا احساس پیروزی زندگی و زنده ماندن همیشگی را بر قدرت مرگ دریابد. و این را می توان در مورد مرگ ایلعازر، و دوباره زنده شدن او به طور واضح درک نمود: خداوند یک خدای زندگی و زنده ماندن محسوب می شود. آن کس که به خداوند ایمان و اعتقاد آورد برای او هرگز مرگ و اژه انتها و تمام شدن به حساب نمی آید، و برای او بخوبی در این دنیا مرگ نیز رقیب چندان سختی محسوب نمی شود. ولی این بدان معنا نیست که انگار وقتی ما به اندازه کافی به عیسی مسیح معتقد هستیم و به او ایمان آورده ایم دیگر نیازی به مرگ نداریم. ولی ما لزوما باید بدانیم که قبل از مرگ، و در حالیکه زنده هستیم یک مورد بسیار و کاملا مهمی را باید به آن توجه کنیم، و آن در واقع محبت و عشق همیشگی و دائمی خداوند می باشد. به هنگام تمام رنج ها، ناراحتی ها و غم ها، به هنگام تمام آلام و دردها، در تمام سختی های تلخ، که مرگ آنرا به همراه می آورد، ما میتوانیم و ما همیشه باید دوباره و اژه زندگی که خداوند آنرا به ما بازگو می کند را با دقت و با تامل به آن گوش فرا دهیم.

Liedverse (EG 526,1)

عیسی مایه اعتماد و اطمینان من / و ناجی موعود من در زندگی است. / این را من بخوبی میدانم؛
اگر اینطور نباشد / بنابراین نباید خود را بدان راضی بدانم / آن شب طولانی ایی از مرگ / مرا به
فکر کردن وادار میکند؟ (اگ ۵۲۶، ۱)

Gebet

دعا

ای خدای حی، بگذار تا این تنها دلخوشی و دلگرمی من در زندگی و مرگ باشد: که من با تمام وجودم و روح هر دوی آنان، چه در زندگی و چه به هنگام مرگ، نه متعلق به خود، بلکه من متعلق به ناجی وفادار خود عیسی مسیح هستم. آمین.

کریستیان یوستن

Christian Justen